

کارآمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق بین الملل کیفری

بهزاد رضوی فرد

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۲۸

چکیده

محل تولد کیفر حبس ابتدئاً در حقوق داخلی بوده است. به عبارت دیگر، تراز کیفر حبس سال‌ها و در قرون متمادی با جرایم داخلی سنجیده می‌شود. کیفری محروم و طرد کننده است که اثرگذاری آن در حقوق های کیفری قرین انتقادهای تندی شده که این مجازات را «مدرسه تکرار جرم» خوانده است. اما امروز با نوسازی اداره زندان‌ها اگر چه در کشور های توسعه یافته آثار سوء این کیفر کاهش یافته اما ورود آن به عنوان یک کیفر کارآمد برای مجازات جرایم بین المللی با تردید هایی همراه است. هم با رویکرد سزادهی قابل تحلیل است و هم با رویکرد فایده گرای کیفر. اما مسئله مهم در کارآمدی این کیفر در برابر جرایم بین المللی در وهله اول تنظیم و تطبیق صحیح میزان مناسبی از این کیفر با شخصیت مجرمان بین المللی است و از دیگر سو، این امر بسته به سازماندهی و تأسیس مستقل نهاد اداره زندان های بین المللی دارد. باید برای کیفر حبس بین المللی تشکیلات مستقلی تعبیه و ابعاد اربعایی و اصلاحی _ درمانی آن با استحکام ساختاری این نهاد اجرایی تقویت گردد تا شاید هم مجرمان بین المللی مرتکب جرایم شدید با تحمل این کیفر و دوری از قدرت متنبه شود و هم برای بزهکاران و جنایتکاران بالقوه بین المللی عبرت آموز و پیش گیرنده باشد.

واژگان کلیدی: حبس، دادگاه های کیفری بین المللی، دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق،

دیوان کیفری بین المللی، کارآمدی، فایده گرایی.

کیفر حبس برای جرایم بین المللی، به مثابه جنینی است که از حقوق کیفری داخلی به عاریه گرفته شده است و بر اقتضائات و ضروریات جامعه بین المللی پیوند زده شده است. به معنای عام، این کیفر، کلمه‌ای مشتق از عبارت «محبس»^۱ یعنی محل حبس می‌باشد. یعنی «بازداشت یک فرد در محدوده داخلی یک مؤسسه اداره زندانها» (Gérard CORNU, 2005, p. 348).

در واقع، کیفر حبس در بین کیفرهای تریبی و بازدارنده جای می‌گیرد چون که بزهکار را از جامعه طرد می‌کند. به نظر می‌رسد که امروزه کارکرد طرد کنندگی به خوبی در این کیفر ظهور و بروز دارد و شاید به همین دلیل است که به تنها کیفر مهم وعده دار وظایف «سزادهی کیفری» بین المللی تبدیل شده است.

کیفر حبس در زمان دادگاه‌های نظامی‌ای همچون "نورنبرگ" یک کیفر تکمیلی محسوب می‌گردید چون که در زمان محاکمات نورنبرگ کیفر اعدام نقش اصلی را بازی می‌کرد. اما پس از سالها و به دنبال ظهور جنبش الغاگرایی اعدام، درحال حاضر کیفر حبس است که نقش محوری را در سطح دادگاه‌های بین‌المللی اختصاصی بازی می‌کند.

خیلی تعجب آور است که چنین کیفری که از نقطه نظر آموزشی مدت‌های مدیدی مشکلات عدیده‌ای را به بار آورده بود. در حال حاضر چه در سطح حقوق داخلی و چه در حوزه بین‌الملل به عنوان مورد توجه ترین کیفر به حساب آید. بنابراین در حالی که کیفر اعدام از حوزه حقوق بین‌الملل حذف شده است «شاید طبیعی است که کیفر حبس بتواند تنها کیفر تحمیلی توسط مراجع کیفری بین المللی باشد» (Anne Marie LA ROSA, 2003, p. 196). دراین خصوص بد نیست فرایند گذار از کیفر اعدام به حبس را در سطح بین المللی تا آنجا که ممکن است رصد کنیم. مسأله قابل توجه که در این نگاشته سعی بر روشن نمودن ابعاد مختلف آن داریم، موقعیت و جایگاه کیفر حبس در میان کیفرهای بین المللی موجود و مشکلات احتمالی اجرای آن به عنوان یک کیفر بین المللی است. بنابراین خواهیم دید که آیا انتظاری که ما از یک کیفر آن هم در سطح بین المللی داریم با چنین مجازاتی برآورده خواهد شد یا خیر؟ و آیا می‌تواند پاسخ مناسبی به جنایات جنایتکاران بین المللی محسوب گردد یا نه؟

گفتار اول) ناکارآمدی نظری و لغو عملی کیفر اعدام در سطح بین المللی:

اعدام، کیفری برگشت ناپذیر است که گاه توجیهش بر قراری نظم و امنیت ملی و بین المللی است و گاه برقراری عدالت الوهی که خداوند به جانشینان خود الهام و ارسال نموده است. کیفر

¹. Prison

کارآمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق بین‌الملل کیفری / ۱۸۳

اعدام از آنجا که در مواجهه با مجرم مهمترین و بالاترین سرمایه او یعنی حیاتش را از او سلب می‌کند همواره بحث برانگیز و در عداد خشن‌ترین کیفرهای تهریبی و بازدارنده نشان‌گذاری شده است. با این حال تاثیر گذاری این کیفر به عنوان عاملب از دارنده جرایم از جمله جرایم خشن، امروزه مورد نقد و تردید جدی است. بدون تردید، ترسانندگی و ارباب‌انگیزی در نظریه کیفر از جایگاه و اهمیت مهمی برخوردار می‌باشد. این استدلال به کرات توسط هوداران کیفر اعدام مورد استفاده قرار گرفته به این معنی که با این کیفر جامعه به دنبال انتقام‌گیری نیست بلکه با این کار به شکل کاملاً ساده قصد پیشگیری دارد. به این ترتیب ما باید از خودمان بپرسیم که آیا کیفر اعدام برای بزهکاران و مجرمان بالقوه بین‌المللی از ارزش بازدارندگی برخوردار است یا خیر؟

به نظر می‌رسد در پاسخ به این پرسش هیچگاه نباید سایر شرایط حاشیه‌ای از جمله لزوم مداخله کشورها در اجرای این کیفر و همچنین عدم پیشبینی یک زندان مورد اتفاق و معتبر بین‌المللی را فراموش نمود. این هم غیر قابل انکار است که کیفر اعدام به مثابه یک سلاح مطلق علیه تکرار جرم افراد بزهکار چندان هم بی‌تأثیر نیست. در واقع تکرار جرم محکومان به کیفر حبس و سپس آزادی آنها، موضع طرفداران کیفر اعدام را تقویت می‌کند. زیرا اعمال کیفر اعدام همواره نوعی اعتراض مطلق جامعه علیه سایر رفتارهای بزهکارانه ارتكابی توسط همان شخص را تضمین می‌نماید. به تعبیری ما با اعدام به صورت یک جانبه، جامعه را از شر بزهکاری که رفتار مستوجب اعدام یا سایر بزهکاری‌ها را داشته است خلاص می‌کنیم.

این دیدگاه البته، اگرچه مخالفت‌هایی را هم به دنبال داشته است (رضوی فرد، بهزاد، زمستان ۱۳۹۰، صص ۴۷۳ تا ۵۳۳) اما برخی نویسندگان آن را تأیید نموده و معتقدند که مطالعات صورت گرفته در ۲۵ ساله اخیر بر روی کیفر اعدام در ایالات متحده همواره مؤید این فرضیه است که کیفر اعدام اثر بازدارندگی مؤثری نسبت به حبس طولانی مدت دارد.

با این حال بنابر برخی گزارش‌ها و نوشته‌ها در رابطه با محاکمه جنایتکاران نورنبرگ، این حقیقت امروز روشن شده که مردم به صورت دسته جمعی برای دیدن و شنیدن محاکمه جنایتکاران هجوم می‌بردند. البته این امر عجیبی به نظر نمی‌رسد. زیرا جنایتکاران بین‌المللی قبل از دستگیری و با رفتارهای خشن، علیه خود تبلیغات وسیعی به راه انداخته بودند به گونه‌ای که تمام مردم و قربانیان بی‌صبرانه در انتظار محکومیت و اجرای حکم اعدام آنها بودند.

بنابر مواد ۲۷ و ۲۸ اساسنامه نورنبرگ و ماده ۱۶ اساسنامه دادگاه توکیو نیز قضات مجاز بودند تا کیفر اعدام یا « هر کیفری دیگری که دادگاه آنرا مناسب تشخیص دهد» صادرکنند (Nathalie MAZARD, 1995, p. 283) به موجب این تجویز که به اندازه کافی به دلیل مخالفت با اصل قانونی بودن مورد انتقاد بود، دادگاه نورنبرگ ۱۲ مورد حکم محکومیت به

مرگ صادر نمود که ۱۰ نفر آنها اعدام شدند و دادگاه توکیو هم همین حکم را صادر و نهایتاً ۷ نفر را اعدام نمود.

با این همه، امروزه بسیاری از معاهدات و کنوانسیون‌ها با یک اتفاق نظر نسبتاً جهانی علیه این کیفر آزاردهنده موضع گرفته‌اند. بنابر برخی آمارها « کشورهای لغوکننده کیفر اعدام از اکثریت برخوردارند. در طول دو دهه گذشته، بیش از سه کشور در هر سال، به طور متوسط، کیفر اعدام را لغو نموده‌اند» (Robert BADINTER, 2004, p. 9). هم اکنون بنابر اظهار نظر سازمان عفو بین‌الملل، تا سال ۲۰۰۶، ۱۲۸ کشور دیگر مبادرت به اجرای این کیفر نمی‌نمایند (www.lemonde.fr/ameriques/article/2008/04/29) به دیگر سخن، این کشورها، کیفر اعدام را در عمل ملغی کرده‌اند که از میان ۹۹ کشور آن را در مورد تمام جرایم حقوق عمومی لغو کرده‌اند (Amnesty international n° 094, 23 mai 2007). یکی از آخرین تحرکات صورت گرفته، قطع نامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که در سال ۲۰۰۸ خواستار نوعی تعلیق جهانی اجرای کیفر اعدام شده است. این جریان، به نظر در سال‌های اخیر یک حرکت چشم گیر در سطح بین‌المللی محسوب می‌گردد. ۱۰۴ عضو سازمان ملل متحد به این قطع نامه رأی مثبت داده‌اند.^۱

نهایتاً در صحنه حقوق بین‌الملل کیفری نیز در رویه دادگاههای کیفری بین‌المللی، این کیفر جایگاه خود را در حال حاضر از دست داده است و نه در اساس نامه دادگاههای کیفری بین‌المللی اختصاصی، نه در دادگاههای مختلط و در مقررات دیوان کیفری بین‌المللی جایگاهی ندارد.^۲ از این روست که اراده جامعه بین‌المللی در حال حاضر بر تجویز کیفر حبس تعلق گرفته است.

گفتار دوم) بازخوانی کارکردهای کیفر حبس

پس از غلبه اندیشه الغاگرایان در خصوص کیفر اعدام برای جرایم بین‌المللی، حبس به کیفر اول و اصلی زرادخانه کیفری بین‌المللی بدل گشت. و جالب این‌که از مجموعه مذاکرات و تبادل نظرهای بین‌المللی بر می‌آید که این کیفر گویا به جدّ جایگزین اعدام شده و همان انتظارات هم از کارکردش می‌رود. از اینرو، بنابر گزارش کمیته حقوق دانان فرانسوی « ویژگی

^۱. در این مورد ۵۴ کشور رای مخالف و ۲۹ کشور ممتنع بوده‌اند.

^۲. در مواد ۲۳، ۲۴ و ۷۸ اساسنامه دادگاههای بین‌المللی یوگسلاوی سابق، رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی و همچنین به ترتیب در قاعده ۱۰۱ و ۱۴۵ آیین دادرسی و ادله ای دو دادگاه و دیوان اثری از کیفر اعدام به چشم نمی‌خورد.

کار آمدی و ناکار آمدی کیفر حبس در حقوق بین الملل کیفری / ۱۸۵

اساساً خشن و غیر انسانی جرایم بین المللی مورد تعقیب نمی‌پذیرد که ما خود را به کیفرهایی با ماهیت مالی و صرفاً نمادین محدود کنیم».

می‌دانیم که از نقطه نظر لغت شناسی در حقوق فرانسه، کلمه «حبس» در معنای یک کیفر تأدیبی متعین می‌شود. برای کیفرهای جنایی موجود در حقوق عمومی اصطلاح «حبس جنایی» (مؤید حداکثر تا ۳۰ سال، حداکثر تا ۲۰ سال و ۱۵ سال) به کار رفته است (ONU Doc.S/25266, 10 février 1993. para. 127, p. 32).

در حالی که کیفرهای جنایی سیاسی از عبارت «بازداشت جنایی» بهره برده‌اند.^۱ در نتیجه اصطلاح «حبس» آنچنان که در ادبیات فرانسوی مورد استفاده قرار گرفته است، معلوم نیست که بتواند به همین صورت برای تبیین سرزنش و کیفردهی شدت جرایم دهشتناک و ضد انسانی حقوق کیفری بشر دوستانه مناسب باشد. به همین مناسبت، در زمان پیگیری کارهای کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، اشاره شده بود که «از لحاظ زبان‌شناسی، کلمه «حبس» به کارگرفته شده توسط گزارش‌گر ویژه در اولین و دومین بند طرح مواد قانونی به گونه‌ای مبهم توصیف شده است» (Document A/46/10. 1991, Vol. II 2, p. 87, para. 92.) و «این که حقوق داخلی بسیاری از کشوره انواع و اقسام حبس را از جمله حبس جنایی و بازداشت را پیش بینی نموده‌اند». به همین دلیل بسیاری از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل اصطلاحی خنثی‌تر مانند «محرومیت از آزادی» را ترجیح می‌دادند. (همان) از طرفی به نظر میرسد، عبارت «محرومیت از آزادی» نیز چندان راضی کننده و به اندازه کافی فنی نیست. رویه قضایی دادگاه کیفری بین‌المللی "رواندا" در یکی از موارد نادر خود اصطلاح «حبس مؤبد» (Affaire Emmanuel Ndindabahizi, para. 511).

را با استفاده از عبارت *réclusion* به کار برده است که به نظر ما بسیار مناسب‌تر از سایر عبارات می‌باشد. در هر صورت، استفاده این نوع از کیفر بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ در کشوری مانند فرانسه افزایش چشمگیری داشته است (Bruno AUBUSSON DE CAVARLAY, 2002, p. 55).

به نظر می‌رسد به دلیل این که دیگر کیفر اعدام وجود ندارد، کاملاً عادی و ضروری است که کیفر حبس یکی از کیفرهای در دسترس و مورد استفاده محاکم کیفری بین‌المللی باشد.

امروزه این کیفر، بدون هیچ شکی یکی از کیفرهای مهم و جهانی محسوب می‌گردد که همه جا مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما آیا واقعاً دلیل این اقبال به خاطر دارا بودن ویژگی‌هایی مثل بازدارندگی و اصلاح‌کنندگی مجرم است یا نه، تنها کیفری است که می‌توان انتخاب نمود؟ با

^۱ ماده ۱-۱۳۱.

این اوصاف این کیفر هم میراثی دیگر از آموزه کلاسیک است اما به راستی در حقوق بین‌الملل کیفری آیا کارکردش سزادهنگی، پیشگیرانه و یا موجب انطباق مجدد جرم با جامعه است؟

الف) کارکرد سزادهنگی کیفر حبس

اگر بخواهیم از کارکرد سزادهنگی این کیفر سنتی پرسش کنیم؛ در عمل این کیفر رنجی را به جسم و بدن مجرم بین‌المللی تحمیل می‌کند و به عبارتی با در تنگنا قرار دادن جسم مجرم بین‌المللی و ایجاد محرومیت برای وی نوعی تنبیه بدنی محسوب می‌گردد. در چنین شرایطی، بنابر مفهوم کانتی کیفر، حبس ابزاری است که « کارکردش به رنج و زحمت انداختن فرد محکوم به همان میزان و شدت فعل ارتكابی‌اش می‌باشد» (Philippe COMBESSIE, La Decouverte 2001, p. 16).

به عبارتی، مشکل وسختی مدت‌ها بریده از خلق ماندن، برای رهبران سیاسی یا نظامی موجب یاد آوری رفتارهای زشتی است که آنها در گذشته مرتکب شده‌اند به نظر می‌رسد پرسش از پیشگیرانه بودن حبس نیز چندان پرسش دقیق و به جایی نباشد. در واقع کیفر حبس با وظیفه و کارکرد ارعایی‌اش، منطقی متمایل به آینده هم دارد. یعنی حبس موجب خنثی کردن بزهکار شده و موجب جلوگیری از ارتکاب جرایم جدید توسط وی می‌گردد (همان ص ۱۷). البته در اینجا، خنثی سازی مجرم نسبت به کیفری مانند اعدام که خنثی سازی‌اش مطلق محسوب می‌گردد، امری نسبی است. این کارکرد ممکن است تحت تأثیر برخی تدابیر مانند آزادی مشروط، عفو و غیر باشد. در واقع، به نظر می‌رسد که نقش خنثی سازی برای یک چنین کیفری قوی‌تر از سایر نقش‌ها یا کارکردهایش باشد. انزوای این دسته از مجرمین بین‌المللی از جامعه می‌تواند موجب فراهم کردن زمینه‌های آشتی ملی یا بین‌المللی شده و فضای سیاسی را آرام کند.

ب) کارکرد اصلاح‌کنندگی حبس

در خصوص کارکرد بازسازی‌گری و اصلاح‌کنندگی کیفر حبس نیز سخن بسیار رفته است.^۱ با این حال این که این نقش نیز به واقع مؤثر واقع شود جای تردید وجود دارد. باید اشاره کنیم که سخن گفتن از یک چنین کارکردی برای بزهکاران و جنایتکاران در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه زیر سؤال رفته و محل تردید است. رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی به طور کلی چنین کارکردی را تأیید نمی‌کند. در حقیقت، امکان تصور اصلاح و بازسازی‌گری برای یک چنین مجرمانی، بنابر شیوه ارتکاب جرایم‌شان که براساس اندیشه ارعاب

^۱. ببینید: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، کیفر شناسی، انتشارات مجد، ص ۶۲، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۵.

کارآمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق بین الملل کیفری / ۱۸۷

سیاسی، نژادی یا مذهبی شکل گرفته، کاملاً نادر و تصادفی خواهد بود. باید بگوییم که کیفر زندان باید از زاویه طول مدتش نیز مورد توجه قرارگیرد. پیشینه کارهای مقدماتی کمیسیون حقوق بین الملل به خوبی بیانگر تنوع دیدگاه‌های اعضا در خصوص کیفر حبس می باشد. کارکرد سزادهنگی برای حبس معتقدند که تنها حبس دائم، بدون امکان آزادی می تواند موجب انعکاس کیفیت و شدت یک جرم بین المللی گردد. از نظر آن‌ها، « جامعه بین المللی باید به طور ویژه خود را راجع به عبرت آموزی کیفرهای قابل عمل نسبت به مرتکبان چنین جرایم دهشتناکی، سختگیر نشان دهد تا از این پس از چنین افعالی جلوگیری و مانع ارتکاب آنها و موجب حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی گردد»، (Document A/46/10, op. Cit, p. 86, para. 86).

برعکس، اعضای طرفدار حبس موقت « با تعیین یک کیفر حداقلی، که شیوه تعیین مدت حبس را بنابر شدت جرم ارتكابی و نتایج هر مورد به عهده دادگاه وامی گذارد، بیشتر موافق بودند» (همان پاراگراف ۸۹). مقایسه این دو دیدگاه نشان می دهد که گویا میان مدت و شیوه اجرای حبس و کارکرد سزادهی ارتباط و فهم متقابل وجود دارد. به عبارتی، تنها حبس دائم بدون هیچ گونه امکان بازبینی و بازنگری است که می تواند سزادهنده و باز دارنده باشد.

گفتار سوم) ظرفیت‌های کیفر حبس و کارآمدی بین المللی آن

کمیسیون حقوق بین الملل از هر دو دیدگاه موجود در بهره برداری از ظرفیت کیفر حبس استفاده کرده با این توضیح که برای یک دادگاه بین الملل یا مکان در نظر گرفتن یک کیفر حبس موقت (الف) یا حبس دائم (ب) وجود داشته باشد (Projet de statut de la CDI (1994, article 47, para. 1, lettre a)

الف) حبس دائم

فکر جانشینی کیفر مرگ با مجازات دیگری که به اندازه کافی جدی باشد اول بار در حقوق کیفری داخلی متولد و سپس به حوزه حقوق بین الملل منتقل گردید^۱. البته فکر جانشینی

^۱ برای اطلاع از دورنمای تاریخی بحث ببینید :

اعدام با حبس ابد موجب مخالفت‌های زیادی شد.^۱ در واقع، آوردن صفت «ابد» برای کیفر حبس برای پر کردن خلاء مربوط به فقدان شدت و خشونت یک کیفر ایده‌آل و باز دارنده ناشی از لغو کیفر اعدام در حوزه حقوق بین‌الملل می‌باشد. با این حال جنبه‌های مربوط به بازسازی و اصلاح محکوم به حبس ابد بسیار قوی و ماندنی است.

پذیرش یک چنین کیفری در صحن کمیسیون حقوق بین‌الملل، تحت تأثیر افکار حقوق بشری، موجب تحریک برخی انتقادات شد. با این همه، شدت، اهمیت و فراگیری غیر قابل انکار جرایم بین‌المللی برای توجیه استفاده از این کیفر به طور جدی مورد توجه قرار گرفتند. از نظر برخی اعضای کمیسیون از جمله "آقای گرافرات"^۲ «کیفر اعدام با این حال بسیار خشن‌تر از مجازات حبس ابدی است که خود کیفری غیر انسانی و ضد حقوق بشر محسوب می‌گردد؛ به نظر ما مجازات ۲۵ سال حبس، سنگین‌ترین کیفر است»

(ACDI, séance n° 2208, 1991/I, para. 10, p. 11.) این تفکر با استدلال‌های

دیگری نیز تقویت شده است با این توضیح که: «حبس ابد به عنوان یک کیفر حداکثری قابل قبول نیست زیرا هدف از کیفر عدالت نه اعمال یک مجازات کورکورانه است. به عنوان مثال کیفر حبس ابد تحمیل شده به یک فرد مسن بدون هیچ گونه امکان عفو و بخشش موجب افتخار انسانیت نیست و به همین دلیل بسیاری از کشورها یک مکانیسم بخشش یا عفو را در این رابطه تجویز می‌نمایند. به علاوه، بسیاری از کشورها هم به دلیل صدماتی که حبس ابد به حقوق بشر وارد می‌کند از آن چشم‌پوشی نموده‌اند» (ACDI, séance n° 2210,

1991/I, para. 47, p. 27). بر خلاف نظرات فوق، دیدگاه‌های دیگری وجود دارند که حبس ابد را یک کیفر مرجح می‌دانند. از نظر بسیاری از معتقدین به این دیدگاه، این کیفر تنها مجازاتی است که می‌تواند حذف کیفر اعدام را قابل قبول جلوه دهد و صرف نظر از آن، به گونه‌ای است که در صورت خطا و اشتباه در صدور کیفر، مجازات بازگشت پذیر و قابل جبران خواهد بود. «ظاهراً اعتقاد به آزادی از زندان برای یک دیکتاتور مرتکب جنایت نسل‌کشی یا سایر جرایم شدید، حتی پس از ۲۰، ۲۵ یا ۳۰ سال کمی مشکل به نظر می‌رسد»

^۱. در این مورد، در حقوق فرانسه، آقای بدنته وزیر دادگستری سابق و از مبدعین اصلی قانون ۹ اکتبر ۱۹۸۱ است که به طور رجدی با جانشینی اعدام با حبس ابد مخالف بود. از نظر وی؛ این جانشینی تنها منتهی به نوعی معامله پایاپای کیفری خواهد گردید. ببینید:

Claudie FERCHAUD, Les peines dites perpétuelles dans le nouveau code pénal, Mémoire de DEA, Université de Poitiers 1994-1995, p. 25.

^۲. M. Grefrath.

کار آمدی و ناکار آمدی کیفر حبس در حقوق بین الملل کیفری / ۱۸۹

(Document A/46/10, idem). از طرف دیگر، « مسأله به انطباق کیفر نه تنها بر جرم

ارتكابی بلکه بر شدت خطر و جلوگیری از باز تکرار چنین

جرایمی - جرایم شدید بین المللی - به هر قیمتی، مربوط می‌شود». (همان) بنابراین ما معتقدیم که در حقوق کیفری بین‌الملل، برای جنایات شدید ارتكابی در شرایط ویژه، این مجازات تنها کیفر قابل تصور می‌باشد.^۱ خواهیم دید که این کیفر یعنی حبس دائم در عمل کرد دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو مورد استفاده و جایگاهش تثبیت شد. اما در حال حاضر بدون این که واقعاً به اجرا درآمده باشد در اکثر قریب به اتفاق متون حقوقی فعلی مورد توجه قرار گرفته است.

(۱) تبدیل کیفر حبس ابد به مهم‌ترین کیفر صادره پس از جنگ دوم جهانی

از میان ۹ نفر محکوم به کیفر حبس ابد محکوم شدند. محکومیت اولی به دلیل ارتكاب توطئه و تبانی "اریک ریدر" به کیفر حبس ابد محکوم شدند. محکومیت اولی به دلیل ارتكاب جنگ تجاوزکارانه، جرم علیه صلح جهانی و جنگ تجاوزکارانه بود.^۲ دومی هم به دلیل ارتكاب جنگ تجاوزکارانه، جرم علیه قوانین و عرف جنگ و جنایت علیه بشریت به حبس ابد محکوم شده بود.^۳ و سرانجام اریک ریدر^۴ نیز به خاطر توطئه علیه صلح جهانی، جنگ تجاوزکارانه و نقض قوانین و عرف جنگ این مجازات را متحمل گردید.

در دادگاه توکیو نیز ۱۵ نفر به حبس ابد محکوم گردیدند اما جالب این که همگی در سال ۱۹۵۵ دو باره طعم آزادی را چشیدند. جز یک نفر از بین آنها که مُرد (Jean-Paul BAZELAIRE et Thierry CRETIN, idem, p. 31-35). این پیشینه و سرنوشت محکومان به حبس ابد در نورنبرگ و توکیو، عدم قطعیت حتی چنین کیفر به اصطلاح بازدارنده‌ای را به ما گوشزد می‌کند. حال باید دید سرنوشت این کیفر در آینده چه خواهد شد؟

^۱. یاد آوری میکنیم که یکی از شعب دادگاه کیفری بین المللی رواندا دو عبارت « condamnation à perpétuité » و « condamnation à vie » را از هم تفکیک می‌نماید. « شعبه معتقد است که عبارت اول یعنی « محکومیت به حبس دائمی » از « حبس موبد » آن‌گونه که در قوانین در حال اجرا در محاکم ملی وجود دارد، قابل تفکیک هستند. بنابراین شعبه عبارت دوم را به همان معنی می‌داند که در متن قاعده ۱۰۱ مقررات آیین دادرسی و ادله وجود دارد. ببینید:

Affaire Clément KAYISEMA, TPIR, n° ICTR-95-1-A, TPIR, Jugement, sentence, Chambre de première instance II, Imposition des peines, 21 mai 1999.

^۲. Rudolf Hess.

وی در سال ۱۹۸۷ خودکشی کرد.

^۳. Walter Funk

وی در سال ۱۹۵۷ به دلیل بیماری آزاد گردید.

^۴. Eric Reader

وی نیز در سال ۱۹۵۵ به خاطر مشکلات ناشی از بیماری آزاد شد.

۲) حبس ابد به عنوان کیفر اصلی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی

بعد از افتتاح دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و حذف کیفر اعدام، حبس ابد جایگاه خود را در زرادخانه کیفری بین‌المللی نوین باز یافت. ماده ۱۰۱ مقررات آیین دادرسی هر دو دادگاه با تصریح مواد ۲۳ و ۲۴ اساسنامه‌ها مقرر می‌دارد که: « تمامی اشخاصی که توسط دادگاه مجرم شناخته می‌شوند با کیفر حبس قابل مجازاتند که این کیفر قابلیت افزایش تا حبس ابد را دارد.» برای تعیین یک چنین کیفری « که به نظر کمی مبهم می‌رسد (Damien SCALIA, 2006, op.cit, p. 191)، قضات بین‌المللی برای رعایت اصل قانونی بودن کیفر به جدول عمومی کیفرهای حبس اجرا شده توسط دادگاه‌های داخلی یوگسلاوی سابق و رواندا ارجاع داده شده‌اند. اما، کنکاش در خصوص کیفرهای تحمیلی و رویه قضایی کشورهای پیشگفته نشان می‌دهد که حبس ابد در حقوق کیفری آنها از یکجایگاه و موقعیت باثبات برخوردار نیست.

۱-۲) دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق

مسأله مجازات حبس ابد در حقوق کیفری یوگسلاوی سابق پیچیدگی خاص خود را دارد چون که مواد ۳۸، ۴۲، ۱۴۱، ۱۴۲ و حتی بند ۱ ماده ۱۵۴ مجموعه قوانین کیفری مربوط به بخش کیفرها، هرگز نامی از حبس ابد به عنوان یک کیفر حداکثر و مشدد به میان نمی‌آورند. در واقع کیفر قابل اجرا ممکن است یا حبس موقت (۱۵ تا ۲۰ سال) باشد یا کیفر اعدام (که حذف شده‌است).^۱ به علاوه شعبه بدوی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در همین مورد می‌پذیرد که:

^۱ در سال ۱۹۷۷ اصلاحیه اعمال شده نسبت به قانون اساسی، کیفر اعدام را در برخی از جمهوری‌های فدرال سوسیالیست یوگسلاوی سابق حذف اما، در بوسنی هرزه گوین آن را حذف نمود. از آن زمان، کیفر حداکثر عبارت از ۲۰ سال حبس می‌باشد. و این کیفر فقط نسبت به جرایم شدید تحمیل می‌گردد. فصل شانزدهم قانون جزای جمهوری فدرال سوسیالیست یوگسلاوی از این جرایم با عنوان « جنایت علیه بشریت و حقوق مردم » یاد می‌کند. ماده ۱۴۲، بند ۱ با عنوان « جنایت جنگی و جنایت علیه غیر نظامیان » در این فصل ظاهر می‌شود. این ماده چنین مقرر می‌دارد که: افعالی که علیه حقوق مردمان، در زمان جنگ، مخاصمات نظامی و اشغالگری، با دستور به حمله علیه جمعیت غیر نظامی، تجمع غیر نظامی یا اشخاص غیر نظامی یا علیه اشخاصی در خارج از صحنه جنگ هستند، حملاتی که منجر به مرگ خواهند شد یا ... موجب کیفر حبس از ۵ سال تا اعدام خواهد شد. هم‌چنین طبق بند ۱ ماده ۱۵۴ « کسانی که به دلایل نژادی، رنگ، ملیت، یا ریشه قومی به حقوق اساسی افراد شناخته شده توسط جامعه بین‌المللی شوند با حبس ۶ ماه تا ۵ سال قابل کیفر خواهند بود. ببینید:

Affaire Kupreckic et Consort, TPIY, n ° IT-95-16-T, Jugement, TPIY, Chambre de première instance, 14 janvier 2000, para. 843-845.

کار آمدی و ناکار آمدی کیفر حبس در حقوق بین الملل کیفری / ۱۹۱

« مقررات مجموعه قوانین کیفری جمهوری فدرال یوگسلاوی سابق - در ارتباط با تعیین یک کیفر بین المللی تنها ابزاری کمکی محسوب می گردند. به ویژه که شعبه بدوی - در این فرایند - نمی تواند به کیفر حداکثری ۲۰ سال متوسل شود چون ماده ۱۰۱ مقررات آیین دادرسی به شعبه اجازه تحمیل کیفر حبس ابد را می دهد » (Affaire Kupreckic et Consort, idem, para. 846).

این نظریه، چند سال بعد به صراحت توسط یکی دیگر از شعب دادگاه مورد تأیید قرار گرفته است؛ کیفر اعدام « به عنوان یک مجازات حداکثری (اشد) با کیفر حبس ابد جایگزین شده است و الا این که دیگر یک کیفر حداکثر ولی پایین تر از کیفر پیشین پیش بینی نگردیده است. هنگامی که بنابر تخفیف کیفرهاست، کیفر سبک تر باید اجرا شود » (Affaire Milomir, Stakic, 31 juillet 2003, p. 160, para. 890).

جالب این که در همین پرونده است که شعبه برای اولین بار تصمیم به صدور کیفر حبس ابد می گیرد. بنابراین می بینیم که برای تعیین کیفر حبس ابد در دادگاه یوگسلاوی سابق بایستی فقط مقررات آیین دادرسی و ادله را به اجرا گذاشت. این جا، اصل « رجوع به جدول کیفرهای داخلی » خود به خود حذف و غیر قابل اجراست.

۲-۲) دادگاه کیفری بین المللی رواندا

مواد ۳۵ و ۹۳ مجموعه قوانین کیفری رواندا کیفرهای حبس را تا سقف ۲۰ سال و استثنائاً تا ۳۰ سال به شرط تعدد جرایم پیش بینی می کنند. برای جرایم خیلی شدید مانند قتل، کیفر حبس مؤبد و حتی اعدام هم قابل اجرا می باشد (Affaire André Ntagerura, 25 février 2004, para. 811). از طرف دیگر، قوانین مربوط به سازمان و تشکیلات (ساختاری)^۱ رواندا نیز از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ صراحتاً کیفر حبس ابد را پیش بینی کرده اند. ماده ۶۸ قانون ساختاری شماره ۴۰/۲۰۰۰ مصوب ۲۶ ژانویه ۲۰۰۱ حبس ابد را برای دسته اول مجرمین در نظر می گیرد. چنان که طبق بند a ماده ۵۱ قانون پیش گفته دسته اول مجرمین چنین توصیف شده اند:

^۱. در متون بین المللی با عنوان "la loi organique" آمده است که بهتر است آن را قوانین ساختاری ترجمه نمود. زیرا به ساختار و تشکیلات دادگاه های رواندا مربوط می شود.

^۲. ببینید :

Annexe : Loi organique n° 40/2000 de la 26/01/2001 portant création des juridictions Gacaca In : La répression internationale du génocide Rwandais, Laurence BURGORGUE (sous la direction), Bruylant 2003, p. 339.

افرادی که افعال مجرمانه یا مشارکت جنایی‌شان در میان طراحان، سازماندهندگان، تحریک‌کنندگان، هدایتگران و نیروهای ستادی جنایت نسل‌کشی یا جنایت علیه بشریت جای می‌گیرد. این دسته از مجرمان در واقع کسانی هستند که مولد اندیشه‌های مجرمانه‌اند. دسته دوم که در بند «ط» به آنها اشاره رفته است اشخاص هستند که در موقعیت مقامات ملی قرار داشته و مرتکب جرم شده‌اند. دسته سوم قاتلین مشهور ... و دسته چهارم شامل اشخاص مرتکب جرم سرقت یا شکنجه و آزار جنسی می‌شود. (همان ص ۵۳۱) به طور کلی می‌توانیم بگوییم که محکومان به حبس ابد معمولاً اشخاصی هستند که مرتکب جنایات شدید حقوق بین‌الملل بشر دوستانه شده‌اند. البته یک کیفر، با حداقل ۲۵ سال حبس نیز نسبت به اشخاص دسته اول و دوم^۱ که متوسل به اقرار یا اعتراف به مجرمیت (معامله اتهامی با دادستان) شده‌اند هم قابل اعمال است.^۲

در عمل^۳ « دیده شده که افرادی که مرتکب جرم نسل‌کشی شناخته شده‌اند یا مرتکب نقتل عام در قالب جنایت علیه بشریت یا حتی مرتکبان هر دو جرم باهم، همواره متحمل کیفرهایی با ۱۵ سال حبس تا حبس ابد شده‌اند»

(Affaire Sylvestre Gacumbitsi, 17 juin 2004, para. 354).

یک چنین رویه‌ای در تجویز کیفر دهی بین‌المللی توسط سایر محاکم هم اتخاذ شده است (Affaire Juvénel Kajelijeli, para. 956). لذا با استناد به چنین ادله‌ای است که دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا برای «کاجلی جلی» حبس ابد را ضروری دانسته و انگیزه‌های خود را در تبیین حکم صادره چنین بیان می‌کند که: «اولاً نسل‌کشی سرآمد همه جرایم و جنایات بین‌المللی است و باید، از این پس، این ویژگی و فاکتور را در تعیین کیفر قابل تحمیل به مجرم بین‌المللی مد نظر قرار داد. ثانیاً؛ تنها کیفر حبس ابد است که می‌تواند به عنوان سزای مناسب در برابر جنایات وحشیانه ارتكابی توسط کاجلی جلی محسوب گردد».^۴

^۱. ماده ۵۱: «آ. اشخاصی که افعال جنایی یا مشارکت جنایی آنها در دسته مرتکبان، شرکاء، یا معاونان در قتل عمدی یا ورود صدمات شدید علیه افرادی که منجر به مرگ آنها شده، قرار می‌گیرد. ب. اشخاصی که با هدف کشتن دیگری مرتکب ضرب و جرح یا سایر صدمات شدید شده‌اند اما منجر به مرگ بزه دیده نگردیده است».

^۲. ماده ۵۶ و ۶۸ قانون ساختار و تشکیلات (ارگانیک) ۲۰۰۱.

^۳. در پرونده‌ای دیگر شعبه بدوی معتقد است که حبس جنایی مؤبد شایسته اعمال نسبت به مجرمانی است که مرتکب شدیدترین جرایم بین‌المللی شده‌اند. مانند طراحان، رهبران، یا کسانی که مرتکب جنایات بین‌المللی یا نوعی خشونت خاص شده‌اند. این شعبه همچنین بر اصل طبقه‌بندی کیفرها تأکید کرده و معتقد است با این کار می‌توان میان جنایات، با توجه به شدت‌شان تفکیک قائل شد.

^۴. همچنین ببینید:

کار آمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق بین الملل کیفری / ۱۹۳

"قاضی ماتوبوا"^۱ در نظریه‌ای مخالف، با ردّ کیفر حبس ابد برای "ژان دودیو کاموهاندا"^۲ معتقد است که: « باید به مجرم این شانس را داد که در اندیشه فرو رفته و تأمل کند و چنان چه ممکن باشد از اشتباهاتش درس بگیرد به گونه‌ای که همین امر برای دیگران هم عبرت آموز و مفید واقع شود. بسیاری از افراد هستند که به نسبت افراد همانند خود در خارج از زندان خوبی‌های زیادی از خود نشان داده‌اند. رواندایی‌ها همگی هم وطنان مجرم- آقای کاموهاندا- هستند و البته شاید او قادر باشد که بسیاری از صدهایی را که خواهان این هستند که رواندایی‌ها را از یک نوع بشر با یک ملیت و یک آرزوی مشترک ببینند را نا امید کند و به شکست بکشاند» (Affaire Jean de Dieu Kamuhanda, 22 janvier 2004, para. 14). در مقایسه کیفرهای حبس ابد صادره توسط دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا با آنچه که توسط دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق صادر شده و با در نظر گرفتن ماهیت کیفرهای ارتكابی می‌بینیم که دادگاه آروشا بسیار سختگیرتر است.

بررسی پرونده‌های رسیدگی شده توسط دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا نشان می‌دهد که تا به امروز از میان ۳۰ پرونده؛ ده مورد منجر به صدور کیفر حبس ابد شده است.^۳ از میان این ۱۰ مورد نیز ۵ نفر به ترتیب به خاطر عناوین اتهامی‌شان به چهار (Affaire Clément Kayisema, 21 mai 1999, s. 21) و دو بار^۴ (Affaire Jean-Paul Akayesu, 2 octobre 1998) محکوم گردیده‌اند. این امر بیانگر این است که بنابر کمیت و کیفیت

Affaire André Ntagerura, Emmanuel Bagambiki, Samuel Imanishimwe, TPIR, n° ICTR-99-46-T, Jugement et sentence, Chambre de première instance, 25 février 2004, para. 815.

۱. Juge Matuba

۲. Jean de dieu Kamuhanda

۳. این پرونده‌ها در این خصوص قابل طرحند.

Affaire Jean Kambanda, TPIR, n° ICTR-97-23-S, jugement portant condamnation, in IV. Verdict, Chambre de première instance, 4 septembre 1998. Affaire Hassan Ngeze, Ferdinand Nahimana, TPIR, n° ICTR-99-52-T, chambre de première instance, 3 décembre 2003, para. 1105 et 1106 à 1107. Affaire Alfred Musema, TPIR, n° ICTR-96-13-1, Jugement et sentence, 22 janvier 2000, para. 1008. Affaire Emmanuel Ndingabahizi, TPIR, n° ICTR-01-71-T, Jugement et sentence, Chambre de première instance, 15 juillet 2004, para. 511. Affaire Eliezer Niyitegeka, TPIR, n° ICTR-96-14-T, Jugement portant condamnation, chambre de première instance, 16 mai 2003, para. 502.

۴. همچنین ببینید:

Affaire Georg Rutaganda n° ICTR-96-3-T, TPIR, Chambre de première instance I, Jugement et sentence, 6 décembre 1999, para. 473.

۵. به تفصیل ببینید در:

۱۹۴/ فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

جرایم و جنایات ارتكابی، اعمال کیفر حبس ابد در هر دادگاه می‌تواند متغیر و متفاوت باشد. به عبارت دیگر، یک ارتباط منطقی بین شدت جرایم ارتكابی و سزاهندگی مستتر در حبس ابد وجود دارد.

جالب است اشاره کنیم که اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون با ارجاع به دادگاه‌های داخلی و حتی دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، میزان دقیقی برای کیفر حبس تعیین نمی‌کند ماده ۱۰ طرح توافقنامه میان نهاد سازمان ملل متحد و دولت کامبوج هم پیش‌بینی می‌کند که: « حداکثر کیفری که می‌تواند نسبت به اشخاص مرتکب جنایات ارجاعی به شعب فوق‌العاده اعمال گردد حبس ابد می‌باشد». با این همه، واضح است که باید حداقل کیفر حبس را در حقوق کیفری داخلی کامبو جستجو نمود.

۳) حبس ابد مشروط در دیوان کیفری بین‌المللی

بند یک قسمت b از ماده ۷۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد که دیوان می‌تواند حکم کند که: « کیفر حبس ابد، به شرط این که شدت جرم ارتكابی و وضعیت محکوم علیه آنرا توجیه کند، مورد حکم قرارگیرد».

اگر ماده را بررسی کنیم خواهیم دید که به نسبت پاراگراف اول آن، در اینجا، شروطی ظاهر می‌شوند که قابل تأمل‌اند. به عبارتی، صدور حکم کیفر حبس حداکثر ۳۰ سال کاملاً ساده و نیاز به هیچ شرطی ندارد اما برای حبس ابد ابتدا باید « شدت فوق‌العاده جرم ارتكابی» را ارزیابی و مورد سنجش قرار داد (پاراگراف سوم قاعده ۱۴۵ مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی) و آنگاه « وضعیت شخصی محکوم علیه» نیز باید صدور چنین کیفری را برتابد. (همان) باید یادآوری کنیم که بند سوم قاعده ۱۴۵ مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان هم بر همین نکته اما با عبارات زیر تأکید می‌کند:

« کیفر حبس ابد وقتی می‌تواند مورد حکم قرار گیرد که به خاطر شدت فوق‌العاده جرم ارتكابی و وضعیت شخصی محکوم علیه قابل توجیه باشد [و به عبارتی] وجود یک یا چند کیفیت مشدده تأیید شده باشد».

با این توضیحات، بدون شک، ویژگی عبرت‌آموزی کیفر، ضرورتاً با صفت « ابدی و جاودانی» بودن حبس محقق می‌گردد. علاوه بر آن، جایگزینی آن به جای اعدام جایگاه نمادین این کیفر را نیز تقویت می‌نماید. با این همه، « ابد» بودن حبس به معنی ادامه حبس تا مرگ محکوم

Affaire Mikaeli Muhimana, n° ICTR-95-IB-T, TPIR, Jugement et sentence, Chambre de première instance III, 28 avril 2005, para. 618. Affaire Jean de Dieu Kamuhanda, TPIR, n° ICTR-99-54A-T, TPIR, Jugement et sentence, Chambre de première instance II, 22 janvier 2004, para. 770.

کار آمدی و ناکار آمدی کیفر حبس در حقوق بین الملل کیفری / ۱۹۵

علیه نیست چون که همانند حقوق کیفری داخلی، اساسنامه دیوان هم مسأله تخفیف کیفر را در ماده ۱۱۰ خود با شرایطی مورد توجه قرار داده است از جمله « گذراندن دو سوم میزان کیفر صادره یا پشت سرگذاشتن ۲۵ سال از مدت حبس». با این اوصاف به نظر می‌رسد وجود یک کیفر حبس واقعی در زرادخانه کیفری دیوان هم تا حدودی زیر سؤال رفته و محل تردید باشد.

ب) حبس موقت

مواد ۲۷ و ۱۶ اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی نظامی تنها کیفر اعدام را پیش بینی می‌کردند. این دادگاه‌ها به طور کلی کیفر حبس را مقرر نمی‌کنند در حالی که در بین کیفرهای صادره علیه جانیان بین‌المللی این مجازات به چشم می‌خورد. دادگاه‌های نظامی بین‌المللی در مجموع ۹ نفر را به کیفر حبس موقت محکوم نمودند.^۱ مشکلات ایجاد شده ناشی از فقدان این تصریح، در اساس نامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی نه تنها حل نشد بلکه شیوه این دادگاه‌ها آنرا پیچیده‌تر هم نمود. بنابر مواد ۲۳ و ۲۴ اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا که به جدول عمومی کیفرهای حبس داخلی ارجاع می‌دهند، تعیین میزان و مدت کیفر حبس موقت بیش از پیش نسبی و امری نامشخص به نظر می‌رسد. بر اساس بند A ماده ۱۰۱ مقررات آیین دادرسی و ادله هر دو دادگاه پیش گفته، حداقل کیفر، « حبس موقت» است بدون این که میزان معینی برای آن تصریح شده باشد و حداکثر نیز « حبس ابد» است. ماده مقرر می‌دارد:

« تمامی افرادی که از نظر دادگاه مجرم تشخیص داده می‌شوند مستوجب کیفر حبس‌اند که تا حبس ابد قابل افزایش می‌باشد».

قسمت iii از بند B ماده ۱۰۱ اضافه می‌کند که باید به جدول عمومی کیفرهای حبس داخلی مراجعه نمود. و اگرچه حقوق کیفری جمهوری فدرال یوگسلاوی در این مورد مسأله را روشن‌تر می‌کند اما قواعدش کاملاً با حقوق کیفری بوسنی و هرزگوین به عنوان یکی دیگر از ایالت‌های جمهوری سابق یوگسلاوی متفاوت است. در منطقه اول، یعنی جمهوری سوسیالیستی یوگسلاوی، کیفر حبس با حداقل ۱۵ روز شروع و تا حداکثر ۱۵ سال قابل حکم است. علاوه بر آن طبق ماده ۳۸ مجموعه قانون کیفری جمهوری فدرال - سوسیالیست یوگسلاوی و با در نظر

^۱ که عبارت بود از ۶ نفر در نورنبرگ و ۳ نفر در دادگاه توکیو . ببینید :

گرفتن برخی شروط، کیفر حداکثر ۱۵ سال حبس تا ۲۰ سال قابل افزایش است.^۱ به موازات آن، حداکثر میزان کیفر حبس در بوسنی و هرزگوین، ۴۰ سال تعیین شده بود.^۲ با این اوصاف به نظر می‌رسد که برای رعایت اصل قانونی بودن کیفرها به سختی بتوان راه‌حلی برای یکسان سازی و هماهنگ نمودن رویه قضایی بین‌المللی در منطقه بالکان پیدا نمود. به این معنا که کمی مشکل است میان حداکثر مجازات حبس مذکور در مقررات آیین دادرسی و ادله این دادگاه‌ها یعنی حبس ابد و حداکثر حبس قانونی ولی متغیر، یعنی ۲۰ تا ۴۰ سال در حقوق کیفری داخلی آنها جمع نمود.

در رواندا دادگاه‌های کیفری عام معمولاً با دادگاه‌های گاجاچا و قوانین ساختاری، در این خصوص تعامل می‌کنند. براساس رهنمود ماده ۲۳ اساس نامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و با عنایت به قانون ساختاری شماره ۴۰/۲۰۰۰ مصوب ۲۰ ژانویه ۲۰۰۱،^۳ می‌توان چهار نوع کیفر حبس را که در مواد ۶۸ تا ۷۱ قانون فوق ذکر شده را تشخیص داد. دسته اول؛ شامل کیفر اعدام یا حبس ابد می‌باشد که با یک کیفر حبس با حداکثر ۲۵ سال به شرط این که متهم اعتراف به مجرمیت را بپذیرد یا به ارتکاب اقرار کند، قابل جایگزینی است.^۴ دسته دوم؛ شامل یک کیفر حبس با حداقل ۲۵ سال و حداکثر حبس ابد می‌باشد.^۵ این کیفر طبق بند b ماده ۶۹ قابل تخفیف به یک کیفر حبس ۱۲ تا ۱۵ سال می‌باشد. برای دسته سوم کیفر حبس بین ۵ تا ۷ سال تنظیم شده است. و در صورت اعتراف به مجرمیت و وقوع معامله اتهامی میان مجرم و دادستان به ۳ تا ۵ سال حبس یا حتی تا ۳ سال حبس قابل تخفیف می‌باشد. دسته چهارم این کیفرها، تنها یک نوع ترمیم و جبران خسارت به نفع بزه دیدگان را شامل می‌شود.^۶ کیفر حبس در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی شده یا مختلط هم دارای یک نقش اساسی است. در مقررات شماره ۲۰۰۰/۱۵ مربوط به دادگاه تیمور شرقی، بخش دهم به کیفرها اختصاص داده شده است. در این قسمت، کیفر حبس ۲۵ سال برای اشخاص مرتکب جنایت

^۱. از جمله اگر موضوع عبارت بود از « کیفر جایگزین مجازات اعدام یا اگر جرم قابل کیفر با ۱۵ سال حبس در شرایط بویژه و شدید ارتکاب می‌یافت و یا این که نتایج شدیدی در پی می‌داشت. ببینید :

Benjamin SCHWAB, « Les sanctions applicables et les décisions quant à l'exécution », in : Droit pénal humanitaire, serie II, 2006, p. 330-331.

^۲. Idem, p. 331.

^۳. Annexe : Loi organique n° 40/2000 du 26/01/2001 portant création des juridictions Gacaca in : La répression internationale du génocide Rwandais, Laurence BURGORGUE (sous la direction), Bruylant 2003, p. 313.

^۴. Idem, p. 339.

^۵. Article 69-a de la loi organique.

^۶. Article 70 de la loi organique.

^۷. ماده ۷۱ قانون ساختار و تشکیلات (ارگانیک) .

کارآمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق بین الملل کیفری / ۱۹۷

نسل کشی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت یا شکنجه، پیشبینی شده است. مسأله رجوع به حقوق کیفری داخلی در اینجا هم تکرار می‌شود. و قانونگذار توسل به حقوق کیفری تیمور شرقی برای مجازات مجرمان مرتکب خشونت جنسی یا قتل رات جويز می‌نماید.^۱

به نظر می‌رسد در حوزه کیفرها، پیشینه دادگاه‌های کیفری اختصاصی موجب نوعی تکامل در دیوان کیفری بین‌المللی شده‌است. چنانچه بنده ماده ۷۷ اساسنامه دیوان « کیفر حبس موقت حداکثر ۳۰ سال را پیش بینی می‌کند». یک چنین کیفری البته نسبت به جرایم بین‌المللی ارتكابی که همراه با کیفیات مشدده نباشند قابل اعمال خواهد بود. مقرر فوق، به طور نسبی مشکل فقدان میزان دقیق برای کیفر، بدون تعیین حداقل راحل کرده است. در این صورت می‌توانیم برای کیفر حبس از حداقل یک روز را تصور کنیم تا ۳۰ سال. در واقع این همان روشی است که یک کیفر حداکثر از یک کیفر حداقل مشتق می‌شود.^۲ این شیوه تعیین کیفر می‌تواند موجب توجیه یک قدرت نامحدود و غیر قابل کنترل برای قضات بین‌المللی گردد. به گونه‌ای که دست آنها را در سرکوب شدید جرایم خشن حقوق بین الملل بشر دوستانه باز می‌گذارد.

نتیجه گیری

حبس کیفری است که اولاً و بالذات محصول چاره اندیشی های کیفری بشر در حقوق های داخلی است. پاسخی محروم کننده و آزار دهنده که فرد را از گردونه زندگی عادی و روزمره با همسانان خود دور می‌کند. این کیفر از اهداف پیش بینی شده اش دور نمی افتد و کارکردش در دو حوزه سزادهدنگی، اصلاح گری و بازپروری بزهکار قابل جستجو و جمع است. اما فراتر از این کارایی، امروزه پذیرفته شده که حبس نه تنها مجرم را می‌آزارد بلکه به خانواده او و حتی به جامعه نیز آسیب می‌رساند. محرومیت اطرافیان از نعمت حضور پدر، مادر یا فرزند بزهکار، آن‌ها را با مشکلات اقتصادی و اجتماعی عدیده ای مواجه می‌کند که از همین رو موجب ضعف جایگاه این کیفر گردیده است. تا آن جا که در اغلب نظام‌های کیفری از جمله ایران و فرانسه به دنبال خلاصی از این کیفر یا حداقل به دنبال اصلاح ساز و کارهای اجرای آن هستند.

^۱. Nations Unies, Administration transitoire des Nations Unies au Timor oriental, règlement 200/15, UNTAET/REG//2000/15, 6 juin 2000.

^۲. Georges VERMELLE, « Le maximum et le minimum », in : La sanction du droit ; Mélanges offerts à Pierre Couvrat, Presses universitaire de France 2001, P.356.

در نظام‌های کیفری داخلی معمولاً میان منطق کمی حبس با شدت جرم ارتكابی امکان برقراری ارتباط وجود دارد. و به صورت حبس موقت یا ابد جلوه می‌نماید. مثلاً در حقوق کیفری ایران برای برخی جرایم مواد مخدر مانند خرید، نگهداری، حمل و مخفی کردن بیش از ۱۰۰ کیلوگرم طبق بند شش ماده ۵ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۷/۸/۷۶ حبس ابد قابل حکم است. همچنان که در حقوق کیفری فرانسه برای تجاوز به عفت با شرایط خاص این کیفر قابل اعمال است. به هر حال میان شدت جرم ارتكابی و کمیت کیفر حبس نسبت به جرم ارتكابی، به تناسب، توازن برقرار می‌گردد. این از حیث توجه به کارکرد سزادهندگی است. در واقع، بر مبنای دیدگاه سزاگرا، هنگامی که یکی از قواعد نظم‌دهنده به رفتارهای انسانی در جامعه ملی یا بین‌المللی نقض شود، به سراغ استفاده از کیفر می‌رویم. در این حالت شدت ضمانت اجرای کیفری به کار گرفته شده معمولاً به اهمیت قاعده نقض شده بستگی دارد؛ چنان‌که، هرچه قواعد نقض شده اساسی‌تر و بنیادی‌تر باشند، به همین میزان آثار و نتایج شدیدتری از حیث کیفر به دنبال خواهند داشت. به موجب این اعتقاد، مجازات به دنبال بازسازی تساوی و تعادل مخدوش شده به وسیله نقض قاعده است. از این رو می‌بینیم که کیفر حبس چندان با این رویکرد همخوانی ندارد. چون نمی‌تواند ما به ازای مناسب و متوازی برای درجات متفاوت سزادهندگی که گویا امری کمی به نظر می‌رسد، باشد. به این ترتیب از آنجا که سخت است بتوان میان نظریه سزادهی و رویکرد تخفیف و بخشش، آشتی برقرار کرد، پس توسل به حبس در این رویکرد هم چندان توجیه پذیر نیست. هم‌چنان‌که فایده‌گرایی نگاهش را به سوی آینده معطوف می‌کند، زیرا کیفر، تنها زمانی توجیه شدنی است که کاربردش منجر به بهبود اشکال مختلف آسایش و آرامش بشری شود.

از این حیث، باید میان این رویکرد و کارکرد باز پروری و اصلاح‌کنندگی این کیفر ارتباط برقرار نمود و در صورتی که شرایط لازم وجود داشته باشد شاید به توان آثار مثبت حبس را دید که البته تا به حال کمتر از لحاظ نظری این امر تایید شده است. این مساله را می‌توان با سنجش علمی و توجه به میزان مجازات تکرار کنندگان جرم در بین متحملین کیفر حبس جستجو نمود. مساله این جاست که در همین حداقل کارایی‌های که در مورد کیفر حبس در نظام‌های داخلی گفتیم، برای مقابله با جرایم بین‌المللی تردیدهای عدیده‌ای ایجاد می‌شود.

به نظر می‌رسد در سطح حقوق بین‌الملل کیفری، برای تحلیل کارایی و نا کارآمدی کیفر حبس در مورد جنایتکاران بین‌المللی، توجه محض به جایگاه این کیفر در نظریات و فلسفه‌های کیفر به تنهایی کافی نباشد. بلکه نوع و شیوه اجرای آن و به علاوه، بازتابش در بین محکومان است که تکلیف کارایی یا نا کارآمدیش را مشخص می‌کند. کیفر حبس بین‌المللی زمانی مقدمات کارآمدی اش فراهم می‌گردد که اسباب و ابزار لازم در اختیار قضات بین‌المللی

کارآمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق بین‌الملل کیفری / ۱۹۹

قرارگیرد. با این اوصاف به نظر می‌رسد برای هرچه موثرتر واقع شدن این کیفر در مواجهه با جرایم بین‌المللی چنانچه نکات زیر مورد توجه قرار گیرد بر کارایی آن افزوده خواهدگشت. از یک سو فضای لازم به عنوان زندان بین‌المللی باید پیش‌بینی گردد و با تمامی امکانات و عدم وابستگی به حقوق کیفری داخلی برای اجرای این کیفر بین‌المللی اقدام شود. و از دیگر سو، در تعیین میزان کیفر باید حتماً به شخصیت مجرمان بین‌المللی توجه شود. به بیان دیگر، بخشی از جنبه سزادهدنگی و ارباب‌آوری این کیفر به شیوه قاطع در اجرای آن بستگی دارد. وقتی مکانی معین و مشخص به عنوان محل حبس مجرمان بین‌المللی اختصاص یابد، انتشار شهرت و اهمیت این مکان در طول زمان، عامل مضاعفی است در پیشگیری عمومی از جرایم بین‌المللی و هم می‌تواند بر خود مجرم آثار پیشگیرانه اختصاصی برای جلوگیری از تکرار جرم داشته باشد. زیرا برای یک مجرم بین‌المللی که معمولاً از مقامات، شخصیت‌ها یا نیروهای نظامی و بلند پایه یک کشور هستند، تحمل باقیماندن و محبوس شدن در یک محیط ثابت و بدون برخورداری از ابزارهای قدرت بسیار آزادهنده و سخت است. به علاوه صدور حکم کیفرهای حبس با مدت زمان نامتناسب نسبت به شخصیت و شدت جرم ارتكابی، نیز می‌تواند از اهمیت و ابعاد اربابی این کیفر بکاهد. با این اوصاف به نظر می‌رسد اولین اولویت برای کارآمد تر نمودن این کیفر بین‌المللی، فراهم نمودن استقلال اجرای آن و صدور احکام متناسب با شخصیت مجرمان بین‌المللی و همچنین حذف کیفیات مخففه بی‌مورد و مبتنی بر حقوق کیفری کشورهای اجراکننده این نوع مجازات بین‌المللی می‌باشد.

فهرست منابع

فارسی

- حسینی، سید محمد مهدی، (۱۳۸۹)، "ناملی بر رویکرد اصلاحی و تربیتی در کیفر حبس"، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۱۰۶، اسفند.
- رضوی فرد، بهزاد، (۱۳۹۰)، حقوق بین‌الملل کیفری، نشر میزان.
- رضوی فرد، بهزاد، (۱۳۹۰)، "حقوق بین‌الملل کیفری در زمینه شکل‌گیری یک سیاست جنایی بین‌المللی"، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید.

۲۰۰ / فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

- رضوی فرد، بهزاد، (۱۳۹۰)، "کارآمدی و کارآمدی کیفر اعدام در حقوق بین الملل کیفری"، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی؛ ویژه بزرگ داشت استاد نوربها، شماره ۵۶
- محمدی، یونس، (۱۳۷۵)، "بررسی تطبیقی اجرای کیفر سالب آزادی (حبس) در حقوق ایران و فرانسه"، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه امام صادق (ع).
- سراجی، محمود (۱۳۹۰)، "بررسی مبانی فقهی کیفر حبس، جایگزین‌ها و راهکارهای اجرایی آن"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
- غفاری، محمد یاسر، (۱۳۸۳)، "تحلیل حبس زدایی به عنوان سیاست نوین جرم شناسی"، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- حاجی تبار فیروزجائی، حسن، (۱۳۸۵)، "جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران"، کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده حقوق.
- نجفی ابراند آبادی، علی حسین، (۱۳۸۵)، کیفرشناسی، انتشارات مجد، ص ۶۲، چاپ پنجم.

لاتین

- Anne Marie LA ROSA, (2003), **Juridictions pénales internationales** : la procédure et la preuve, PUF, Publications de l'Institut universitaire de hautes études internationales,
- Benjamin SCHWAB, (2006), « **Les sanctions applicables et les décisions quant à l'exécution** », in : Droit pénal humanitaire, serie II.
- Bruno AUBUSSON DE CAVARLAY,(2003), « **Les lourdes peines dans la longue durée** », in : Comment sanctionner le crime ?,Trajet-érés
- Claudie FERCHAUD, (1995-1994), **Les peines dites perpétuelles dans le nouveau code pénal, Mémoire de DEA**", Université de Poitiers.

کارآمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق بین الملل کیفری / ۲۰۱

- Damien SCALIA, (2006), **Constat sur le respect du principe nulla poena sine lege par les Tribunaux internationaux. RID comp**, n° 1, janvier - mars,
- Gérard CORNU, (2005), **vocabulaire juridique**. Puf.
- Georges VERMELLE, (2001), « **Le maximum et le minimum** », in : La sanction du droit ; Mélanges offerts à Pierre Couvrat, Presses universitaire de France.
- Michael L.RADELET,(2003), « **Le mouvement vers l'abolition universelle de la peine de mort : le point de vue actuel des Etats-Unis** », in : La peine capitale et le droit international des droits de l'homme, Edition Panthéon Assas.
- Nathalie MAZARD, (1995) ,Le Tribunal pénal international pour l'ex-Yougoslavie, Thèse, Université d'Aix-Marseille
- Nations Unies, (2000), Administration transitoire des Nations Unies au Timor oriental, règlement 200/15, UNTAET/REG//2000/15, 6 juin.
- Philippe COMBESSIE, Sociologie de la prison, La Decouverte 2001.
- Projet de statut de la CDI, (1994), ACDI, Vol II, 2° parties, article 47, para. 1, lettre a.
- Projet de statut de la CDI, (1994), ACDI, séance n° 2208, 1991/I, para. 10.

- Projet de statut de la CDI, (1994), ACDI, séance n° 2210, 1991/I, para. 47.

- Rapport du Comité de juristes français mis en place par Roland Dumas pour étudier la création d'un tribunal pénal international destiné à juger les crimes commis en ex-Yougoslavie, l'ONU Doc.S/25266, 10 février 1993
- Robert BADINTER, (2004), **Vers l'abolition universelle de la peine de mort** », in : Peine de mort après l'abolition, Edition de conseil de l'Europe.
- Telford TAYLO,(1995), Procureur à Nuremberg, Edition Seuil, 1995.

پرونده‌ها

- à Cuba Raul Castro annonce un congrès du PC et la commutation des peines de morts, in www.lemonde.fr/ameriques/article/2008/04/29.
- Affaire Alfred Musema, TPIR, n° ICTR-96-13-1, Jugement et sentence, 22 janvier 2000.
- Affaire André Ntagerura, Emmanuel Bagambiki, Samuel Imanishimwe, TPIR, n° ICTR-99-46-T, TPIR, Jugement et sentence, Chambre de première instance, 25 février 2004.
- Affaire Clément Kayisema, n° ICTR-95-1, TPIR, Jugement, Sentence ; imposition des peines, Chambre de première instance II, 21 mai 1999.
- Affaire Clément KAYISEMA, TPIR, n° ICTR-951A, TPIR, Jugement, sentence, Chambre de première instance II, Imposition des peines, 21 mai 1999.
- Affaire Eliezer Niyitegeka, TPIR, n° ICTR-96-14-T, Jugement portant condamnation, chambre de première instance, 16 mai 2003.
- Affaire Emmanuel Ndindabahizi, n° ICTR-01-71-T, TPIR, Jugement et sentence, Chambre de première instance I.
- Affaire Emmanuel Ndindabahizi, TPIR, n° ICTR-01-71-T, Jugement et sentence, Chambre de première instance, 15 juillet 2004.
- Affaire Georg Rutaganda n° ICTR-96-3-T, TPIR, Chambre de première instance I, Jugement et sentence, 6 décembre 1999.
- Affaire Hassan Ngeze, Ferdinand Nahimana, TPIR, n° ICTR-99-52-T, chambre de première instance, 3 décembre 2003.
-
- Affaire Jean de Dieu Kamuhanda, TPIR, n° ICTR-99-54A-T, Jugement et sentence, Opinion dissident du juge Mabututu sur la sentence, Chambre de première instance II, 22 janvier 2004.
- Affaire Jean de Dieu Kamuhanda, TPIR, n° ICTR-99-54A-T, TPIR, Jugement et sentence, Chambre de première instance II, 22 janvier 2004.

کار آمدی و ناکار آمدی کیفر حبس در حقوق بین الملل کیفری / ۲۰۳

- Affaire Jean Kambanda, TPIR, n° ICTR-97-23-S, jugement portant condamnation, in IV. Verdict, Chambre de première instance, 4 septembre 1998.
- Affaire Jean-Paul Akayesu, n° ICTR-96-4-T, TPIR, Jugement et sentence, Chambre de première instance I, 2 octobre 1998.
- Affaire Juvénal Kajelijeli, TPIR, n° ICTR-98-44A-T, Jugement et sentence, Chambre de première instance II, 1^{er} décembre 2003.
- Affaire Kupreckic et Consort, TPIY, n° IT-95-16-T, Jugement, TPIY, Chambre de première instance, 14 janvier 2000.
- Affaire Mikaeli Muhimana, n° ICTR-95-IB-T, TPIR, Jugement et sentence, Chambre de première instance III, 28 avril 2005.
- Affaire Milomir Stakic, n° IT-97-24-T, TPIY, Jugement, Chambre de première instance II, 31 juillet 2003.
- Affaire Sylvestre Gacumbitsi, n° TPIR-2001-64-T, Jugement, Chambre de première instance III, 17 juin 2004.
- Amnesty international, « La peine de mort en 2006 » in : Synthèse destinée aux médias, bulletin n° 094, 23 mai 2007.
- Annexe : Loi organique n° 40/2000 de la 26/01/2001 portant création des juridictions Gacaca in: La répression internationale du génocide Rwandais, Laurence BURGORGUE (sous la direction), Bruylant 2003.
- Document A/46/10, Rapport de la commission du droit international sur les travaux de sa quarante-troisième session, 1991, Vol. II (2).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی